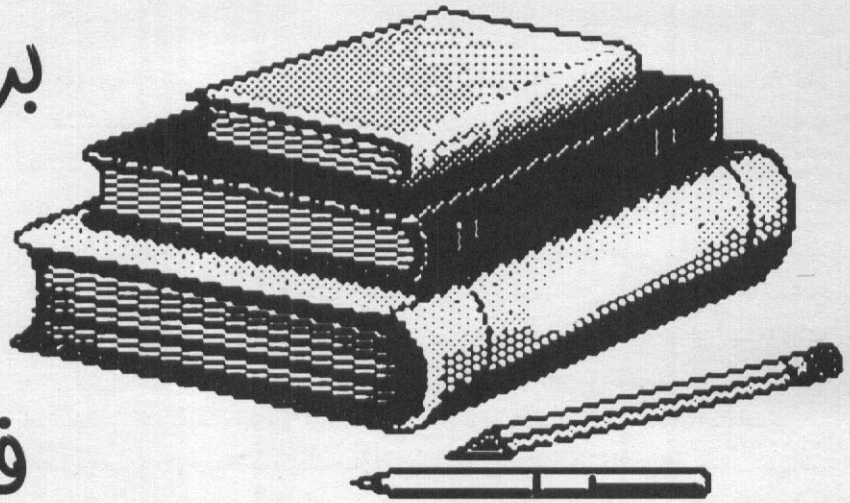


بررسی تغییرات نحوی و واژگانی فارسی معاصر



□ افروز اسلامی

مقدمه:

زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی با تغییرات و تحولات اجتماعی دگرگون می شود. تحول زبان نخست از زبان گفتار آغاز و با تکرار و عمومیت یافتن در زبان وارد نوشتار می شود. قانون حاکم بر تحول زبان مانع تغییر بی رویه زبان و اختلال در کارکرد اصلی آن یعنی «ارتباط» می گردد. این قانون حاصل تعامل بین دو گرایش متضاد است: تمایل به سکون و ثبات، به دلیل نیاز ارتباطی و تمایل به تحول و حرکت، به این دلیل که زبان پدیده ای منتزع از دیگر بخش های حیات جامعه نیست و حرکت دارد. هم چنین تغییرات از مراحل جداگانه عبور نمی کنند؛ هم زیستی اشکال با نقش های مشابه محکم ترین دلیل در دفاع از این ادعاست. مسئله اصلی در این بررسی توجه به اصول یاد شده و شناخت تغییرات و گرایش های نحوی و واژگانی زبان فارسی در فاصله زمانی بین دو انقلاب مشروطه و اسلامی است.

علاوه بر دلایل تغییر زبانی چون قیاس نادرست، اقتصاد زبان، ترغیب اجتماعی

(پرستیژ)، سهل المخرج بودن و نظریه تکامل زبان های بشری - که به تازگی مطرح شده است، (هاو کینز ۱۹۸۹)، - گسترش شهرها، همگانی شدن تحصیل، استفاده از یافته های انقلاب صنعتی، چاپ و تولید انبوه کتاب، همگانی شدن وسایل ارتباط جمعی و ... را می توان در تغییرات زبانی این دوره مؤثر دانست.

روش بررسی:

روش ما در این پژوهش، توصیفی است و پیکر زبانی ما را سالنامه های رسمی مملکتی تشکیل می دهد که از سال ۱۳۰۵ انتشار یافته اند. به این ترتیب که از هر دهه حداقل سه سالنامه از سه سال مختلف مورد بررسی قرار گرفته و برای پوشش دهه های نخستین از مجلات اجتماعی استفاده شده است. گرچه نمی توان برای تغییرات زبانی آغاز و انجامی در نظر گرفت، اما فاصله زمانی هفتاد سال بین دو انقلاب را با سیر تاریخی مورد بررسی در پژوهش های زبانی امروز (جدول شماره ۱، برگ) می توان دلیلی محکم برای کافی بودن این محدوده

زمانی دانست. روش تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس طبقه بندی فیش های مربوطه و مقایسه آن ها برای رسیدن به یک تخمین تقریبی بوده است. چرا که موارد تغییر یافته یکباره محدود و نابود نمی شوند، بلکه در جریان تحول رفته رفته صورت دوم جایگزین صورت اول می گردد.

پیشینه مطالعات انجام شده

از جمله مطالعاتی که زبان شناسان غیر ایرانی در این زمینه انجام داده اند، می توان به رساله دکتری آقای عبدالشکور احسن، زبان شناس پاکستانی اشاره کرد که مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد آن را به چاپ رسانده است. نگاه اصلی این زبان شناس به تطور زبان فارسی در دو قرن گذشته با تکیه بر زبان نوشتاری ادیبان این مرز و بوم بوده و در ارائه مثال ها از آثار نویسندگانی چون: عارف قزوینی، صادق هدایت و ... استفاده کرده است. از جمله آثار و تحقیقات زبان شناسان ایرانی در این زمینه می توان به رساله دکتری

آقای حسینعلی نوری کلخوران با عنوان «طرح و بررسی تحول سبک روزنامه در نیمه قرن اخیر» و پایان نامه تحقیقاتی آقای جلال رحیمیان و همچنین کتاب «زبان فارسی از پراکندگی تا وحدت» نوشته ناصر پورقمی اشاره کرد.

در این بررسی، تحلیل داده هادر چند قالب کلی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. اجزاء کلام:

الف) هسته:

□ اسم:

اسم عام:

در اوایل قرن گرایش کلی به کاربرد اسم عام به صورت اسم جمع بوده است، در حالی که امروزه هر اسم توصیف نشده‌ای را به عنوان اسم عام به کار می‌بریم: مطالعه کتاب ایشان برای رانندگان فواید دارد.

اسم خاص:

۱. خطاب و القاب و تعارفات: در یک حکم کلی ملغی شده است (قانون الغای القاب و مناصب مصوبه ۱۳۰۴/۲/۱۵ شمسی مجلس شورای ملی).

۲. اسامی رنگ‌ها تنوع بیش‌تری داشته است. به اعتقاد زبان‌شناسان قائل نشدن به تمایز واژگانی میان دو رنگ در یک زبان به این معناست که در زندگی واقعی بر تمایز بین این دو رنگ تأکید نمی‌شود: رنگاری، یاسمنی، برگ سنجدی.

۳. تغییر اسامی شهرها، روستاها، و ایستگاه‌ها که در مسیر سیاست‌های فرهنگستان صورت پذیرفته است. طی این تغییرات اسامی ترکی به فارسی (قره چمن ← سیاه چمن) و عربی به فارسی (ابوالمومن ← پارسا) تبدیل شده‌اند. نیز در حوزه املائی (حویزه ← هویزه) و نام اشخاص و ارزش‌های قدرت حاکمه (علی آباد ← شاهی)، تغییراتی دیده

می‌شود. در باقی موارد از نوعی تشابه استفاده شده است: تشابه در معنا، وزن، تکرار یا آوای آغازین: صحرای ترکمن ← دشت گرگان، سخت سر ← رامسر و ...

۴. مقیاس‌ها/ واحدها یا کلاً عوض شده‌اند یا نحوه بیان آن‌ها تغییراتی کرده است؛ از جمله: مبدأتاریخی، قرن‌شمار، سال‌شمار، ماه‌شمار، روزشمار، ساعت‌شمار، پول، اوزان، طول، سطح، ارتفاع، مایعات، عمق و ...

● ضمائر:

در گذشته برای ارجاع به مواردی نظیر اسامی معنا، حیوانات، درختان، اشیا، مکان‌ها و زمان‌ها از ضمیر سوم شخص «او» یا «وی» به جای ضمیر اشاره‌ای «آن» استفاده می‌شده است:

بایستی اقرار کرد که هرگاه مدرسه بهترین طریق تربیت را اتخاذ نماید اما خانواده با وی مساعدت ننماید، ...

ب) وابسته:

۱- وابسته صرفی اسم - جمع: انواع جمع مکسر و سالم عربی در این دوره کاربرد داشته و در مواردی جمع مکسر به قیاس نادرست دوباره جمع بسته شده است؛ مانند مخارجات. در یک بررسی با مقایسه ۹۰ صفحه از سه سالنامه دهه نخست قرن حاضر و سه سالنامه دهه پایانی به این نتیجه رسیدیم که در ابتدای قرن، اکثریت مطلق جمع با زبان عربی و در پایان با نشانه‌های جمع فارسی بوده است (نمودار شماره ۱ و ۲) همین بررسی، در مورد تنوین قیدساز عربی ۱۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. (نمودار ۳ و ۴).

«یا»ی نکره: در کاربرد قدیمی‌تر خود، به اسم نکره‌ای که همراه با صفت می‌آمده، اضافه می‌شده، اما در دهه‌های بعد این «یا» به صفت اضافه شده است:

شغلی پرسودتر ← شغل پرسودتری -
جمعی کثیر ← جمع کثیری

۲. وابسته نحوی اسم:

● موصوف و صفت: اصل این است که در زبان فارسی صفت صرف پذیر نیست و با موصوف خود از نظر جنس و شماره مطابقت نمی‌کند اما به تعبیر «ویندفور» این «قرض‌گیری مستقیم» به قیاس نادرست به جمع‌های فارسی هم تعمیم داده شده است: برنامه‌های مصوبه.

- صفت سنجشی: افعال التفضیل عربی کاربرد فراوان داشته که البته سیر نزولی پیدا کرده است. در مواردی به قیاس نادرست این صفت‌ها نشانه صفت سنجشی فارسی گرفته‌اند؛ مانند اعلی‌ترین. در موارد دیگری پسوند «تر» و «ترین» اضافه نمی‌شده که بعدها این مورد تعمیم داده شده است:

اگر هنگام غذا یا بعد از غذا زیاد از حد لزوم آب خورده شود ...

دیوار خشتی اگر با دقت ساخته شود، کم از دیوار آجری نیست.

- در یک مورد خاص از نظرشمار، تطابق ویژه‌ای بین گروه‌های اصلی وجود داشته که به مرور زمان محدود شده است: آقایان نمایندگان ← آقای نماینده.

- واژه‌های مرکب اضافه‌ای: آوردن صفت بین دو جزء کلمات مرکبی که کسره اضافه بالفعل یا بالقوه در آن‌ها وجود داشته معمول بوده است: رئیس معظم‌جمهور، وزیر اسبق کشور. این امر به مرور تغییر یافته است.

- مهمات: واژه هر و همه به جای یکدیگر به کار می‌رفته‌اند.

هر کسی قصه دهقان و کوزه غسل و خیالات پریشان او را شنیده ... همه هفته جمعی از شعراء و خطباء ...

● عدد و معدود: عدد کلمه‌ای است که به صورت وابسته پیشین یا پسین همراه

با گروه اسمی معدود می آید و به سه دسته تقسیم می شود:

۱. عدد اصلی: که معدود آن به صورت جمع می آمده است: دو عوامل.

۲. عدد ترتیبی: رواج اعداد عربی، استفاده نکردن از پسوند -ین هنگام به کارگیری واژه اول: اعلامیه ثانوی، اول مرتبه در هفت سال قبل.

۳. عدد کسری: کسر عربی، حروف مختلف بین کسرها و درصدها: نه عشره قضاة، ده یک، صدی یک، یک در ده، یک بر هزار، یک به سه.

۴. تقریب: رواج بسیار داشته است: در بعضی ممالک در سایه همان وسایل، تعداد مالاریایی ها از بیست و سی درصد به کمتر از یک درصد افتاده است.

حروف: به اعتقاد ویزر (۱۹۶۴) افعال با حروف خاص واحدهای معنایی می سازند. این حروف دستخوش تغییر می شوند اما معنا همچنان پایدار باقی می ماند. در مواردی کلمات به مرور زمان، حرف اضافه خود را از دست می دهند:

Vote → Listen(on) to
for/against → (to)
Ø → enjoy (of)

در زبان فارسی هم نمونه های متعددی از این دسته تغییرات مشاهده می شود:

در → به بر → به را
از → از را → به
از → به به → به با از →
در → با → در

به عنوان مثال: را → به: کسی را مطلبی گفتن → به کسی مطلبی را گفتن؛ به → را: به چیزی شروع کردن → چیزی را شروع کردن، که از گرایش عمده به سوی نقش نمای «را» برای مفعول مستقیم و حرف اضافه «به» برای متمم یا مفعول غیر مستقیم حکایت دارد.

اضافه کردن حروف: در بعضی از

جملات، مفعول مستقیم یا بند موصولی بدون نشانه آمده که گرایش با نشان دار کردن آن ها مشاهده می شود:

رنود سر راهش Ø گرفتند.

چه بسیاری از بیماریها Ø قابل اجتنابست.

حذف حروف: در جریان تحول، برخی از حروف به تدریج ضعیف می شوند و افاده مقصود نمی کنند. در این هنگام، کلمه دیگری به آن ها اضافه می شود تا آن را تقویت کند. در مرحله دیگری از تحول، کلمه ای که برای تقویت حرف اضافه آمده و معنی مستقلی داشته است، در آن مورد خاص، معنی اصلی را از دست می دهد و تنها در حکم رابطه میان حرف اضافه و اسم واقع می شود:

از برای → برای به توسط → توسط در تحت → تحت

II. واژه سازی:

زبان بنا بر ذات وجودی خود در جذب و دفع دائمی است و اجزاء آن به تدریج و به ضرورت، خلق شده اند. در این جریان برخی از کلمات متروک، برخی بارگیری تازه و برخی به ضرورت مترادف شدن جانشین گردیده اند.

● عبارات توضیحی: مفاهیمی که برای نخستین بار به جامعه معرفی می شوند، با عبارت یا واژه مرکب خطاب می شوند. این امر با انتخاب نام کوتاه تر یا جایگزینی اصطلاح خارجی به تولد یک واژه جدید می انجامد:

گوی به سرحد طرف زدن: گل زدن

درختان پیچ: پیچک

کلید برای باز کردن قوطی: در باز کن
● عبارات مقید: الزاماً از مجموعه عوامل ثابت تشکیل شده اند اما شکل ترکیبی آن ها مقید نیست: بیش و کم، چون و چند، شاید و باید.

تغییر واژگ: واژگانی که به مرور زمان

واژگ آزاد یا مقید آن ها تغییر یافته است یا آن را از دست داده اند. این امر به دلایل گوناگونی صورت گرفته است: ۱- سلیقه سخن گویان، ۲- حذف وندهای بیگانه، ۳- قیاس، ۴- اشتباه شنونده:

ورزشگران ← ورزشکاران، شوروی ← شورایی، خرنده ← خریدار، سخندان ← سخنران

● رواج برخی وندها: بسامد وقوع برخی از وندهای بیگانه به مرور کاهش نشان داده است: -یون: هیتلریون، جغرافیون... همچنین در مورد پیشوندهای منفی ساز، به نظر می رسد در پایان دوره از میان واژه هایی با بار منفی و واژه هایی مثبت با تک واژ منفی ساز فعلی نوع دوم ترجیح داده می شوند: ناسودمند، نافرورش، خسته ناشدنی، بی آزمایشی.

● مصادر و تغییر آن ها به اسم: «پالم» می نویسد: هنگامی که مصدر با یک صفت ارتباط معنایی بیش تری داشته باشد، با to و هنگامی که با فعل ارتباط معنایی داشته باشد، با ing- به کار می رود. «گالینسکی» معتقد است در متون انگلیسی آمریکایی بیشتر ing- فرم به کار گرفته می شود. در فارسی نیز طی یک فرآیند کلی، مصادر که خود نوعی اسم به شمار می روند، تغییر شکل داده اند. افعال ساده با حذف -ن آخر، افعال مرکب با حذف فعل صرفی در پایان دوره به کار گرفته شده اند: پس از گذشتن چند روزی بتدریج این نوزادان... (گذشت). پس از تحویل شدن دو دستگاه فرستنده (تحویل).

● تغییر کلی اوزان مصادر: در بسیاری از لغات عربی، تغییر و تحولاتی در مورد اوزان، واژگان هم خانواده و نحوه کاربرد آن ها در زبان فارسی به وجود آمده است. مقایسه ای بین آن ها صورت گرفته که نتیجه موارد کلی تر آن در نمودار ۵ و ۶ به نمایش گذاشته شده است:

مصدر ← مصدر: اکمال ← تکمیل

اسم مفعول ← مصدر : مفلوج ←
فلج

اسم فاعل ← مصدر : مطعومات ←
طعام

اسم ← اسم : صناعت ← صنعت
تغییر در ارکان فعل مرکب : رژه
می دهند ← رژه می روند، به دام آوردن
← به دام انداختن، به خاک رفت ← به
خاک سپرده شد.

● تغییر در الفاظ و نگرش فارسی
زبانان :

در عرض راه ← در طول راه
پشت سر انداختن ← پشت گوش
انداختن

● عبارات و ترکیبات عربی : که به
مرور، معادل فارسی جایگزین آن‌ها
شده است :

عند الضروره : اگر لازم باشد .
● دو معنایی : یک واژه ممکن است

بیش از یک معنا داشته باشد و معنای دوم به
تدریج جای معنای اول را بگیرد : آیندگان :
۱- عابرین ۲- نسل های بعدی ؛ زورمندان :
۱- ورزشکاران ۲- ستمگران ؛ روشندان :
۱- اشخاص با فرهنگ ، ۲- نابینایان .

III. دستور

● آرایش جملات : در نثر علمی و
خبری آرایش جملات فارسی ن م ف
(SOV)^(۱) است . در عین حال ترتیب
توالی کلمات جمله ، با نقش ارتباطی آن
جمله رابطه مستقیمی دارد . در اسلوب
معمولی کلام ، عادتاً جزء قدیم معلوم را که
اطلاع بیش تر بر آن شکل می گیرد تم یا
موضوع می نامند و آن را مقدم بر اطلاع
جدید می آورند . به نظر می رسد که در
ابتدای قرن حاضر توالی مستقیم در آرایش
جملات نقش مؤثری داشته است . این
نقش تا بدان حد حفظ می شده که ترتیب
دو عامل آخر را برهم می زده و نسبت به فعل
مؤخر متمم با واسطه می شده است .

خون ساخته می شود از غذاهای هضم
شده ؛

جنگ محدود بود به دریا و هوا .
- فعل بایستن در نشان دادن اجبار ،
جایگاه ثابت به ماقبل آخر (پیش از فعل) را
داشته که به مرور زمان تغییر کرده است :
به غذا خیلی کم باید ادویه زد .
اولاً با نهایت تلخی و حرارت اعتراف
باید کرد .

● افعال مرکب : بحث جداسازی
افعال مرکب در زبان انگلیسی هم
تحلیل های متفاوتی داشته است .

«زندورت» می نویسد : هنگامی که مفعول
طولانی باشد ، ساختار ف م ق (VOa)^(۲)
انتخاب نمی شود . به اعتقاد آن در جملات
امری ساختار VOa ترجیح دارد .

مثال های به دست آمده از زبان فارسی نشان
می دهد که در مواردی دو جزء فعل جدا به
کار می رفته اند که این دو جزء مجزا امروزه
یکپارچه شده اند . در مواردی ، عکس این
فرآیند صورت گرفته است . به نظر می رسد
یکی از عوامل این تغییر ، کلیشه ای و قابل
پیش بینی بودن متمم برخی از افعال است :
الف) - از بدو زندگی تا آخر استنشاق
هوا می کنیم .

- مادرها استعمال ویکس را ترجیح به
سایر دواها می دهند .

ب) - حرارت اطاق و بسته بودن در و
پنجره را متوجه باشید .

- تأسیس این دانشکده را تقاضا
داشتند .

- گرایش به استفاده از افعال مرکب :
استفاده از افعال مرکب به دلایل متعدد از
جمله گریز از استعمال افعال بی قاعده .
افعال مرکب مفهوم مؤثرتری را می رسانند
(احسن ۱۹۷۶) . افعال ساده ادبی تر هستند
(شاکس ۱۹۶۷) و رواج بیش تری پیدا
کرده اند .

درویدن ← درو کردن
آغازیدن ← آغاز کردن

درخواستند ← درخواست کردند
در عین حال ، شمار اندکی از افعال
مرکب به افعال ساده بدل شدند :

بازگشت نمودند ← بازگشتند
● ساختار منفی : تضاد معنای قسمتی از
جمله یا تمامی آن را به همراه دارد . در
ابتدای قرن ، گاهی برای تأکید در نفی ، در
عین کاربرد قید منفی ساز (نه) فعل را به
صورت مثبت به کار می برند :

الف) - در کشف این سرقت مثل سایر
سرفقات نه چنان جدیت و فعالیت نمودند که
بتوانم شرح داد .

ب) - کاربرد اختصاصی کلمه «هر» و
«هیچ» شکل نگرفته بود . امروز ترجیحاً
«هیچ» در جملات منفی جایگزین «هر»
شده است :

هرگونه حادثات و مشکلات زمانه وی
را نتوانسته است از جاده مستقیم خود
انحراف دهد .

پ) - امروزه کاربرد قید «باید» در
جملات منفی ، تغییر صورت «باید» را به
«نباید» به همراه دارد . در گذشته چنین نبوده
و ترجیحاً فعل اصلی را به صورت منفی
صرف می کردند :

تا زمانی که راه آهن مزبور ساخته نشده
بایستی اعاده موقع ترانزیتی ایران را در
تجارت بزرگ شرق و غرب انتظار
نداشت .

● تطابق فعل و فاعل : در گذشته از سر
تواضع به عامل و کننده کار مخصوصاً اگر
اول شخص مفرد بود ، توجهی نداشتند و
فعل را برای سوم شخص مفرد صرف
می کردند : زیاده عرضی ندارد ...

منظور ما این است کسانیکه از فن
اصول تعلیمات مطلع هستند ، دعوت
نمایند .

● زمان ها :
- از جمله خصوصیات نثر فارسی
اوایل قرن ، کاربرد جملات با وجه وصفی
و همچنین جملات پیوسته است که با او

عطف به یکدیگر مربوط می‌شوند. این امر با رواج قواعد نقطه گذاری تغییر یافت.

- افعال غیر شخصی: در پایان محدوده زمانی، گرایش فارسی زبانان به صرف افعال غیر شخصی و فعل متعاقب آن توأمان می‌باشد:

ولی جز ملایمت چه می‌توانستم کرد؟ (بکنم) ... کمتر به کنه مظالم عدلیه پی می‌تواند برد [می‌تواند ببرند].

- استعمال حرف «به» بر سر برخی افعال به مرور حذف شده است:

... بر عده مصنوعات داخله بیفزود. در برابر ناکامیها و مشکلات روزافزون بایستاد.

- وجه التزامی در گذشته با وجه اخباری بیان می‌شده است:

قبلاً اطمینان حاصل کنید که بوسیله کارخانه معروف و مطمئنی ساخته شده است (باشد).

- گرایش به استفاده از ماضی ساده در جملاتی که در ابتدای قرن با استفاده از فعل ماضی استمراری یا ماضی نقلی بیان می‌شده‌اند. به نظر می‌رسد که امروزه، تنها در مواردی از این دو صورت فعل استفاده می‌شود، که تأکید بر استمرار یا باقی ماندن اثر یا نتیجه عمل باشد.

استمراری: سلجوقیان هم پس از آن که ارتش بیزانس را شکست دادند، آنکارا را فتح کردند و مدتی بر آن حکومت می‌نمودند (نمودند).

نقلی: ... در مسابقه اعزام به خارجه با رتبه اول قبول وعازم فرانسه شده است. در سال ۱۹۳۶ با اخذ دیپلم لیسانس حقوق از سوربن و سپس ...

● حشو: به حضور غیر ضرور یک مشخصه - اعم از آوایی، دستوری، معنایی - برای مشخص کردن یک واحد زبانی حشو گویند.

- حضور «یک» معمولاً حشو بوده مگر زمانی که در تقابل با اعداد دیگر قرار

گرفته است. در مواردی که «یک» با «یا»ی وحدت همراه می‌شده، فارسی زبانان به ابقای «یاء» و حذف «یک» گرایش داشته‌اند.

(الف) - یک ... : از یک ثلث باقی مانده هم تقریباً یک نصف در مراحل اولیه تا شش سالگی (ثلث، نصف) ...

(ب) - یک ... ی: آن عقیده برای یک مملکتی که تا این اندازه محتاج به علم و تزکیه‌های اخلاقی ... (یک ← مملکت/ مملکتی).

- در مواردی واژه «هر» با «یا»ی نکره همراه می‌شده است. امروزه تمایل بر نگهداری واژه «هر» و حذف «یاء» است:

(پ) - هر ... ی: در هر ۲۴ ساعت اقلأ هر نفری باید نیم من آب بنوشد ← هر نفر/ نفری

- ضمیر پرسشی «آیا» به همراه ضمائر پرسشی دیگر امروزه کاربردی نداشته و به صورت حشو در آمده است:

(ت) آیا... : آیا کدام جرم بالاتر است کشتن روح یا جسم؟

- مترادف: از آن جا که در ابتدای قرن اطباء باب مجالس بوده، کاربرد کلمات مترادف فارسی یا مترادف‌هایی از زبان‌های انگلیسی، فرانسه، عربی... معمول بوده که به تدریج حذف شده است:

پرت بندر پهلوی؛ هر قبیل رجوعات را با سرعت وقت و دقت کامل انجام می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

ایران در هفتاد سال مورد بررسی از یک دوره انتقالی عبور کرده است. این امر تحول‌کند و تدریجی معمول زبان را به حرکتی سریع بدل می‌سازد. بسیاری هجوم ناگهانی زبان‌های بیگانه را که بر اثر افزایش قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی آن‌ها را از یک سو و تغییر نیازهای اجتماعی از سوی دیگر انجام پذیرفته است، را از

مهم‌ترین خصوصیات این دوره انتقالی دانسته‌اند. به اعتقاد این گروه، در مجموع عواملی چون: ۱- حرکت سره‌گرایان، ۲- افتتاح فرهنگستان زبان، ۳- آغاز به کارگیری زبان محاوره در ادبیات معاصر، ۴- علاقه عمومی به کاهش عوامل عربی و ترکی به حداقل هم به لحاظ ارضای غرور ملی و هم به جهت ساده کردن زبان، ۵- ورود و ترجمه واژگان غرب از جمله واکنش‌های زبان فارسی در برابر عوامل بیرونی - شرق و غرب - بوده است. گرچه حاصل این بررسی نادیده گرفتن تغییرات ناشی از تأثیر زبان‌های بیگانه (به ویژه عربی) بر زبان فارسی نیست، اما با توجه به کل تغییرات، تصور می‌رود بتوان به این نتیجه رسید که جدا از عوامل خارجی، این مدت زمان برای رخداد تغییرات زبانی ناشی از عوامل درونی زبان کافی بوده است. در این سیر تاریخی شاهد تشبیت کارکرد برخی از صفات و حروف بودیم؛ به عنوان مثال: تثبیت نقش هر - هیچ در ساختارهای منفی، «را» در نقش نمای مفعول بی‌واسطه... در این بررسی همچنین مصادیقی از نظریات «لاک هارت» را که سال‌ها پیش طرح شده بود؛ مشاهده کردیم؛ از جمله: از بین رفتن صرف‌پذیری‌ها، فاصله گرفتن هم‌معناها، از بین رفتن بی‌قاعده‌ها (در افعال مرکب). در بحث همگانی‌های تغییر زبانی و این امر که مسیر تحول همگانی است و هر تکواژ دستوری مشخص در هر زبان را می‌توان با تکواژهایی از دیگر زبان‌ها در مسیر و الگوهای تعیین شده مقایسه کرد (دستوری سازی)، به اثبات برخی از این همگانی‌ها در فارسی دست یافتیم:

در فرمول همگانی اول از سه زبان شاهد آورده‌ایم: انگلیسی باستان، سواحیلی و فارسی باستان. *Xâstan, taka, willân* در معنای خواستن به *Xâh, ta, will* در مفهوم آینده بدل شده

Table 1: The time span of the present corpus divided into four major and 14 minor Subperiods.

Old English		Middle English	
OE1	- 950	ME1	1151 - 1250
OE2	951 - 1050	ME2	1251 - 1350
OE3	1050 - 1150	ME3	1351 - 1420
		ME4	1421 - 1500
early Modern English		late Modern English	
eModE1	1501 - 1570	IModE1	1711 - 1780
eModE2	1571 - 1640	IModE2	1781 - 1850
eModE3	1641 - 1710	IModE3	1851 - 1920
		IModE4	1921 -

As can be seen, the corpus contained four Major and fourteen minor sub-periods. The former coincide with the traditional quadrisection of English into Old English (OE), Middle English (ME), early Modern English (eModE), and late Modern English (IModE), consisting of 300,000 to 400,000 words each; the latter cover 70 to 100 years and include 100,000 words each.

> *Intention* آینده > *Future* اراده

1. *Desire* خواستن

OE *Willan* "Want" > *Will* "future"

Swahili *taka* "Want" > *-ta* - "future" (Bybee & Dahi - 1985)

OP *Xastan* "Want" > *Xah* "future"

2. *indefinite article numeral* "one" → عدد یک

...-ی → یک... حرف تعریف نکره

3. *definite articles demonstrative* → اشاره ای

کتاب → آن کتاب؛ حرف تعریف معرفه

person - number affixes

4. *pronouns* → ضمائر

وندهای (Heine et al - 1991)

شخص و شمار

کتابم → کتاب من

فهرست منابع

- پورقمی، ناصر (۱۳۷۵) زبان فارسی از پراکندگی تا وحدت، گوتنبرگ.
- رحیمیان، جلال (۱۳۶۹)، بررسی زبان شناختی تطور نثر روزنامه ای فارسی از آغاز تا کنون و کشف و تبیین مشخصه های کلی آن، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- شفائی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی دستور زبان فارسی، انتشارات نوین.
- نوری کلخوران، حسینعلی (۱۳۵۴)، طرح و بررسی تحول سبک زبان روزنامه در نیمه قرن اخیر از دیدگاه دستور و واژگان، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- Ahsan, Abdulshakur (1976), **Modern trends in the persian language**, Iran Pakistan Institute Of Pakistan Studies.
- Allen, W. St. (1947). **living English Structure**, London.
- Bybee, J.L., Dahi O, (1989), "**The creation of tense and aspect systems in the languages of the world**", Studies in language.
- Galinsky, H., **Die Sprache des Amerikaners**, II, Heidelberg.
- Hawkins, John A. (1989), **The Evolution of Human Languages**, Addition - Wesley Publishing company.
- Heine, B & Claudi, U. (1991) **Grammaticalization: A conceptual framework**, University of Chicago Press.
- Palm, B. (1921), *Fragan om infinitiv eller gerundium efter substantive*, engelskan - Modspark 15.
- Shaki, Mansur (1967), **Principles of persian bound phraseology**, Oriental Institute in Academia.
- Visser, F. Th (1963), **an Historical syntax of the English language**, Part I, E.J.Brill.
- Windfuhr, Gernot (1979), **Persian grammer: History & state of its study**, Mouton publisher.
- Zandvoort, R.W (1961), **A hand book of English grammer**, 8th ed. Gronngen.